

— واما در احکام آب نوشیدن ، آنچه مستحب

است سبزه امر است ، واز آن جمله است : اول خواندن

این دعا در وقت آب خوردن ( متن مفصل دعای ) . دوم

آنکه آب را بمکد . سوم آب را به هر دو دست بنوشد .

چهارم آنکه به سه نفس بنوشد اگر آب دهد غلام باشد .

پنجم آنکه از نزدیک دسته کوزه واز موضع شکسته آب

ننوشد . ششم آبی ننوشد که از ناودان خانه کعبه

فرود آمده باشد .

— واز زمره آنچه در آب نوشیدن مکروه است :

اول آب نیل مصر نوشیدن که دل را مسمیراند . دوم

به یک نفس آب نوشیدن اگر آب دهنده غلام باشد . سوم

به سه نفس آب نوشیدن اگر آب دهنده آزاد باشد .

چهارم به یکبار فرو بردن آب ، چه آن باعث مرض کساد

میشود وآن مرضی است در جگر . پنجم شب ایستاده آب

نوشیدن . ششم تگرگ خوردن .

( همان کتاب ، باب پانزدهم ،

در آداب آب نوشیدن )

— سنت است که چاشت را با مداد بخورد ، و بعد از

نماز خفتن با ردیگر طعام خورد ... و در موقع خوردن به

روی مردم نظر نکند ، و در طعام گرم ندمد ( فوت نکند ) ،

و نان را به کارد نبرد ، و استخوان را پاک نکند ، و به

کمتر از سه انگشت چیزی نخورد که رسول اکرم ( ص )

فرمودند به دو انگشت غذا خوردن کار شیطان است ، و در

حالت جنابت مکروه است طعام و آب خوردن ، و گرنه بیم

آنست که پیش شود . و حضرت امیرالمؤمنین ( ع ) فرمود که از بالای ظرف آبگوشت بخورید و از پهلوهایش نخورید که برکت در بالای طعام است . و به سند معتبر از حضرت رسول اکرم ( ص ) منقول است که هرگاه کسی طعام بخورد انگشتان خود را بلمسد و سمکد . و نیز به سند معتبر از حضرت علی بن الحسین ( ع ) منقول است که استخوان را پاک مکنید که اجنه را در آن بهره هست ، و اگر پاک کنید ایشان از خانه شما میبرند چیزی را که از آن بهتر باشد .

— و سنت است که بدست راست غذا بخورد ، و بر دو زانو بنشیند ، و خوابیده چیزی نخورد ، و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو گذارد آن هم بدتر است . و تنها غذا خوردن مکروه است . و دست شستن پیش از طعام از سنت است اما باید دست را بدستمال خشک نکنند . و رسول اکرم ( ص ) نهی فرمود از خوردن و آشامیدن به دست چپ . و امام جعفر صادق ( ع ) فرمود که دست شستن پیش و بعد از طعام چشم را جلا میدهد . و نیز آن حضرت ( ع ) فرمود که دستها را همه در یک طرف بشوئید تا اخلاق شما نیکو شود . و بهتر است که در آن آب سعد داخل کنید . و بر قوت جماع میافزاید .

— و از حضرت رسول اکرم ( ص ) منقول است که چون سفره غذا را بگسترند ، چهار هزار ملک بر دور آن حلقه زنند و اگر بنده بسم الله گفت به شیطان گویند بروای فاسق که ترا برایشان سلطنتی نیست . و اگر بسم الله در اول نگویند ، شیطان به شیطان گویند بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور .

— و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ( ع ) منقول است که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پشای راست را بر روی پای چپ بگذار . و از حضرت امام جعفر

صادق (ع) منقول است که بان را در زیر گاسه مگذارند .  
 و در چند حدیث معتبر دیگر منقول است که بان را سه  
 روی عجمان یا کارد مسرید بلکه بدست ننگند ، و حضرت  
 امام موسی کاظم (ع) فرمود که پس از عدا خللال  
 کنید ، اما خللال مکمید به خوب گل و درختانار که هر  
 دو برگ خوره را حرکت مآورند ، و حضرت صادق (ع)  
 فرمود که حیرثیل برای حضرت رسول (ص) مواک و خللال  
 و حجامت را آورد ، و آن حضرت به هر چه مساعدتند خللال  
 میکردند به غیر از برگ درخت حرما و بنی و درخت مورد .  
 — و حضرت امام رضا (ع) فرمود که اگر کسی  
 بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن بخورد ، عصب  
 دارم که چرا معده اش شفی نمیشود ؟

( حلیة المتقین ، باب سوم ،  
 فصول چهارم و پنجم و ششم )

— از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است  
 که هر بنده ای که آب بخورد و حضرت امام حسن (ع) و  
 اهل بیت را یاد کند و لعنت کند بر گنندگان آن حضرت ،  
 حق تعالی ۱۰۰،۰۰۰ حسنه برای او بویسد ، و ۱۰۰،۰۰۰  
 گناه از او بپندازد ، و ۱۰۰،۰۰۰ درجه برای او بپسند  
 کند ، و چنان باشد که ۱۰۰،۰۰۰ بنده آزاد کرده  
 باشد ( ! )

و نیز فرمود که : اگر شخصی آب بخورد و هنوز سیر  
 نشده حمد خدا بگوید پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب  
 باز گیرد و حمد خدا بگوید و پس باز بخورد پس حق تعالی  
 به سبب این ، بهشت را بر او واجب گرداند ( ! )

— سنت است که آب به سه نفس خورده شود ، و در  
 احادیث بسیار وارد شده است که در روز آب ایستاده  
 خوردن خوب است . آب نشسته خوردن خوب است ، و در  
 شب ایستاده خوردن باعث غلبه زرداب و صفرا میشود .

— و از حضرت امام محمد باقر ( ع ) منقول است که از پیش دسته گوزه و از جائیکه شکسته باشد یا رخسهای داشته باشد آب نخورد که این دو موضع شیطان است .  
— و حضرت صادق ( ع ) نهی فرمود از آب خوردن به دست چپ ، و فرمود که آبرایم کنید .

( همان کتاب ، باب سوم ،  
فصول بازدهم و دوازدهم )

— مستحب است ؛ با دست راست غذا بخورد ، با سه انگشت یا بیشتر غذا بخورد و با دو انگشت نخورد . انگشتها را بعد از غذا خوردن بلمسند ، بعد از غذا خلال نماید ، ولی با چوب انار و ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکند ، بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد ، در اول غذا و آخر آن نمک بخورد .

— و مکروه است ؛ نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن ، و خوردن غذای داغ ، و فوت کسردن چیزی که میخورد یا میاشامد ، و پاره کردن نان به کارد ، و پاک کردن گوشتی که به استخوان چسبیده ، و پوست کردن میوه .

— در آشامیدن آب مستحب است که ؛ آبرای بطور مکیدن بیاشامد ، در روز ایستاده آب بخورد ، به سه نفس بیاشامد ، و بعد از آشامیدن آب قاتلان حضرت ابا عبدالله را لعنت نماید .

و مکروه است ؛ آشامیدن آب بعد از غذای چرب ، و در شب حال ایستاده ، و آشامیدن آب با دست چپ ، و آشامیدن آن از جایی که نزدیک دسته گوزه است .

( آیهاله خمینی ، توضیح

المساثل ، احکام خوردننها

و مستحبات و مکروهات آن )

## در احکام دارالخلافه

— و آن بیست و یک چیز است : سه چیز واجب است و پنج چیز حرام و پنج چیز سنت و هشت چیز مکروه . اما آن سه چیز که واجب است : اول پوشانیدن عورتش از نامحرم . دوم آنکه از قبله منحرف نشیند یعنی روی و پشت به قبله نکند . سیم مخرج بول را به آب مطلق طهارت دادن نه به گلاب و امثال آن ، و نه به کلوخ که آن مذهب سنیان است . اما مخرج غایب را که حوالی آن موضع به آن آلوده نشده باشد به کلوخ ولته و بینه و امثال آن ظاهر میتوان کرد هر چند که آب میرا باشد اما لازم است که از سه نوبت کمتر نباشد اگرچه به دو نوبت یا کمتر پاک شود و اگر حوالی آن آلوده شده باشد پاک کردن آن به آب میباشد و بس .

اما آن پنج چیز که حرام است : اول مخرج غایب را به سرگین پاک کردن ، هر چند سرگین از حیوانی باشد که گوشت آن حلال است . دوم به چیزی پاک کردن که خوردنی باشد مثل میوه و غیر آن ، سیم به استخوان پاک کردن که آن نیز حرام است . چهارم به چیسزی پاک کردن که محترم باشد ، مثل کاغذی که علم دین بر آن نوشته شده باشد . پنجم به دستی استنجاء کردن که در آن انگشتری باشد که نام یکی از ائمه معصومین علیهم السلام بر آن نقش شده باشد .

اما آن پنج چیز که سنت است : اول آن است که در حائی نشیند که همکس او را ببیند مثل گودال یا سد دیوار . دوم آنکه در وقت داخل شدن به دارالخلاء اول پای حب خود را پیش کند و در وقت بیرون آمدن پای راست را . سوم آنکه در وقت طهارت کردن سنگینی بدن خود را بر پای حب اندارد . چهارم آنکه سه پوستار مقعد تا بیخ ذکر را مسح نماید و بعد از آن از بیخ ذکر تا سر حشفه را ، و بعد از آن سه نوبت ذکر را بفشارد . پنجم آنکه اول مقعد را طهارت دهد و بعد از آن ذکر را .

و اما آن هشت چیز که در وقت طهارت کردن به فعل آوردن آن مکروه است : اول روی پا پشت خود را به جانب آفتاب یا ماه کردن بعنوانی که نور آفتاب یا ماه به عورتین او بتابد و یا روی بجانب بادیول کردن . دوم بادیول را دست راست مقعد را پاک کردن . سوم بول کردن در زمین سخت . چهارم بول کردن در سوراخهای حیوانات مثل مورچه و مار . پنجم طهارت گرفتن در شارع . ششم طهارت کردن در آب ، خواه روان و خواه ایستاده . هفتم طهارت کردن در زیر درختی که میوه داشته باشد . هشتم حرف زدن در وقت طهارت گرفتن مگر بیکی از چهار چیز : اول ، ذکر خدای تعالی . دوم ، آیه الکرسی خواندن . سوم ، حکایت اذان ، یعنی هرچه مؤذن بگوید این کس نیز بگوید . چهارم ، اگر امر ضروری باشد که اگر حرف نزند آن امر فوت شود .

( جامع عباسی ، کتاب اول ، واجبات و محرمات و مکروهات و سنن بیت الخلا رفتن )

— و چون حاجت داری به رفقش به سبب الحلاء، پس بدان که آداب بیت الحلاء بسیار است، و جمله‌ای از آن بطور اخصار آن است که: مقدم میداری در وقت داخل شدن یای حبرا، و میگوئی " بسم الله وبالله اعوذ بالله من الرجس النجس الحسب المخبس الشيطان الرحيم ". و چون عورت بازگردد بسم الله میگوئی، و واجب است در این حال بلکه در تمام حالات مسجور کردن عورت را، و حرام است در این حال روزه قبله و بستن روزه قبله نفسن، و منحب است آنکه بگوئی در حال قضاء حاجت: " اللهم اطعمنی طیباً فی عافیة، و اخرجہ منی خبیثاً فی عافیة ". و وقتیکه نظرت افناد بر آنچه از تو دفع شده، میگوئی: " اللهم ارزقنی الحلال و حنیفی الحرام ". و چون خواستی طهارت بگیری، اول استبراء میکنی، پس دعای رؤیت آب را میخوانی: " الحمد لله الذی جعل الماء طهوراً ولم یجعلہ نجساً ". و در وقت طهارت میگوئی: " اللهم حصن فرجی و اعفہ و استبر عورتی و حرمنی علی النار ". و چون از جای خمسه برخواستی دست راست را بر شکم میکنی و میگوئی " الحمد لله الذی اماط عنی الادی و هنانی طعامی و شرابی و عافانی من الملوی ". پس بیرون میآئی و مقدم میداری پسای راست را بر پای چپ، و این دعا را میخوانی: " الحمد لله الذی عرفنی لذته و اتقی فی جسدی قوته و اخرج عنی اذاہ، یا لها نعمة یا لها نعمة لا یقدر القادرون قدرها ". ( مفاتیح الحیا و باقیات صالحات، باب اول، در آداب بیت الحلاء )

— چون خواهد که داخل بیت الحلاء شود، سر را بیوشاند، و اگر در بالای عمامه چیزی بر سرگیند بهتر است. و چون داخل شود بسم الله بگوید و این دعا

را بخواند (متن دعا) ، و بعد از آن بگوید ( میس دعای  
 دوم ) . و چون داخل شود پای چپ را مقدم دارد ، و چون  
 عورتش باز شود بسم الله بگوید تا شیطان چشم بر هم  
 نهد و نظری به عورت او نیفتد . و چون درست بنشیند  
 بگوید ( متن دعا ) . و چون بر محل تخلیه بنشیند تکیه  
 بر پای چپ کند و پای راست را گشاده گذارد ، و اگر غایب  
 یا بول به دشواری بیرون آید این دعا بخواند ( متن  
 دعا ) ، و در حدیث است که بر هر بنده ای فرشته ای موکل  
 است که در بیت الخلاء سراورابه زیر سبب دازد که نظر  
 به مدفوع خود کند . . . پس سزاوار است که بنده در ایس  
 حال این دعا بخواند ( متن دعا ) . و چون برخیزد دست  
 بر شکم خود مالد و بگوید ( متن دعا ) . و چون خواهد  
 که از بیت الخلاء بیرون آید پای راست را مقدم دارد ،  
 و دست بر شکم خود بمالد و بگوید ( متن دعا ) و در برخی  
 از کتب معتبره خواندن این دعا سه مرتبه وارد شده  
 است . و سنت است که بعد از قطع قطرات بول استبراء  
 کند ، و بعضی این کار را واجب میدانند . و طریق  
 استبراء آن است که انگشت وسطی دست چپ را نزدیک مقعد  
 گذاشته به قوت بکشد تا زیر خستین ، سه مرتبه ، پس  
 انگشت شهادت را به زیر ذکر گذارد ، و انگشت بزرگ را بر  
 بالای آن به قوت بکشد تا سردگر ، سه مرتبه ، و اکثر  
 علماء گفته اند که سردگر را سه مرتبه بفشارد . و سنت  
 است مقعد را شستن به آب سرد ، که دفع بواسیر میکند .  
 و بسیار نشستن در دار الخلاء مکروه است ، زیرا منقول  
 است که حضرت لقمان فرمود که درهمه بیت الخلاء ها  
 نوشتند که بسیار نشستن در بیت الخلاء باعث بواسیر  
 میشود . و پاک کردن مقعد به استخوان و سرگین مکروه  
 است ، زیرا در حدیث معتبر آمده است که اجنبه به خدمت



حضرت رسول صلی الله علیه آمدند و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند ، حضرت استخوان را برای ایشان و سرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد ، و باین سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست . همچنین بیساک کردن مقعد به سایر خوراکیها خصوصاً آن کراهت شدید دارد ، و به چیزهای محترم مثل خاک تربت حضرت امام حسین علیه السلام و نوشته ای که در آن آیه های قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا ائمه علیهما السلام یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است . و پاک کردن بیست و شش مرتبه مقعد به دست راست مطلقاً مکروه است ، و اگر در دست چپ انگشتری باشد که در آن اسم خدا باشد استنجا به دست چپ هم مکروه است ، و علمای اعلام اسماء ائمه معصومین صلوات الله علیهم را نیز هرگاه به قصد نام ایشان کنده باشند بدین کراهت الحاق کرده اند ، و مکروه است با خود بردن به بیت الخلاء چنین انگشتری را هر چند هم که در انگشت نباشد ، و همچنین با خود بردن نقره سکه دار را مگر آنکه در کیسه باشد ، و مکروه است مسواک کردن در بیت الخلاء ، که باعث گند دهان میشود . و مکروه است حرف زدن در آن حال ، مگر آنکه ذکر خدا را بکنند یا آیه الکرسی بخوانند و حمد الهی بکنند یا آنچه را مؤذن میگوید از پی آن بگویند ، و واجب است که اگر اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در بیت الخلاء بشنود صلوات بفرستد ، و نیز نسبت است که اگر در بیت الخلاء عطسه کند حمد بگوید و صلوات بفرستد . . . و منقول است که هر که در بیت الخلاء سخن بگوید حاجتش برآورده نشود ، و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط .

— در حدیث معتبر منقول است که روزی حضرت امام حسین علیه السلام داخل بیت الخلاء شدند . لقمه نانسی

پاک کرد .

— هرگاه با سنگ و کلوخ و مانند اینها غایط را از مخرج برطرف کنند نماز خواندن مانعی ندارد، و ذره های کوچک و لزج بودن محل اشکال ندارد .

— لارم بیست یا سه سنگ یا سه بارجه مخرج را پاک کنند ، بلکه با اطراف یک سنگ هم کافی است ، ولی با استخوان و سرگین و کاغدی که اسم خدا بر آن نوشته باشد اگر محل را پاک کند نمیتواند نماز بخواند .

— اگر مخرج غایط را با آب بشویند باید چیزی از غایط در آن نماند ، ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد .

— مردها بعد از بیرون آمدن بول باید استبراء کنند ، و بهترین قسم استبراء این است که بعد از قطع شدن بول اگر مخرج غایط نجس شده ، اول آنرا تطهیر کنند ، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غایط تا بیخ آلت بکشند ، و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند ، و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند ، و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند .

— اگر انسان شک کند که استبراء کرده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه نجس میباشد ، ولی اگر شک کند استبرائی که کرده درست بوده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه ، پاک میباشد .

— اگر انسان بعد از بول استبراء کند و وضو بگیرد ، چنانچه بعد از وضو رطوبتی ببیند که بداند یا بول است یا منی ، واجب است احتیاطاً غسل کند ، وضو هم بگیرد .

— آبی که گاهی بعد از ملاعبه با خود یا با زنان از انسان خارج میشود و بان مذی میگویند پاک است

دستد که در آنجا افتاده است . برداشتنند و به غلامی  
از غلامان خود دادند . چون بیرون آمدند برسیدند  
که چه شد لقمه نان ؟ گفت خوردم . فرمودید مرا آزاد  
کردم ، زیرا از حدم رسول اللہینیدم که هرکه لقمه‌ای  
در دارالخلاء بیاید و آنرا فوت کند و بخورد پس از آن  
جهنم آزاد گردد .

— و نیز در حدیث صحیح از حضرت امام باقر ( ع )  
منقول است که هرکه بر روی قبر سول یا غایب کند یا  
اسناده سول کند یا در خانه تنہا سول کند سلطان او را  
بگیرد و دیوانه کند .

— و نیز از حضرت رضا ( ع ) منقول است که  
فرمودید : هرگاه بول آمد بکن ، و تا ضرور بشود جماع  
مکن ، و هرگاه که ترا حواب بگردد حواب مکن .

( حلیة السیفین ، باب هشتم ، فصل

یازدهم - باب اول ، فصل

دوازدهم - باب سوم ، فصل

ششم - باب پنجم ، فصل سوم )

— واجب است انسان وقت تخلی عورت خسود را از  
کسانیکه بالغ شده‌اند ، اگرچه خواهر و مادر و سایر  
کسانیکه محرم هستند ، و همچنین از دیوانه ممیز و  
بچه‌های ممیز که خوب و بد را نمیفهمند سوزانند .

— نخلی در کوجه بن بست و ملک کسی که اجازه تخلی  
نداده است و در محل وقت مثل بعضی مدرسه ها و روی قبر  
مؤمنی حرام است .

— در صورتیکه نجاست دیگرچ مثل خون یا غایب  
بیرون آمده باشد ، یا نجاستی از خارج به مخرج غایب  
رسیده باشد ، یا اطراف مخرج بیس از مقدار معمول  
آلوده شده باشد ، باید مخرج غایب را با آب شست . در  
غیر این سه صورت میشود آنرا با پارچه و سگ و کلجوخ

، و نیز آبی که گاهی بعد از منی بیرون میآید و بآن  
و ذی گفته میشود ، و آبی که گاهی بعد از بول بیرون  
میآید و بآن ودی میگویند اگر بول بآن نرسیده باشد  
پاک است .

— مستحب است در موقع وارد شدن به مکان تخلی،  
اول پای چپ و موقع بیرون آمدن اول پای راست را بگذارد .  
همچنین مستحب است در حال تخلی سر را بیوشاند و سنگینی  
بدن را سربای چپ ببندازد .

— نشستن رو بروی خورشید و ماه در موقع تخلی مکروه  
است . و نیز در موقع تخلی نشستن رو بروی باد و در جاده  
و خیابان و کوچه و درب خانه و زیر درختی که میوه میدهد  
و چیز خوردن در موقع تخلی و توقف زیاد و تطهیر کردن با  
دست راست مکروه میباشد . همچنین است حرف زدن در حال  
تخلی، ولی ذکر خدا را بگوید اشکال ندارد .

— مستحب است انسان پیش از جماع و بعد از بیرون  
آمدن منی بول کند .

( آیه آله خمینی ، تومیح  
المسائل ، احکام تخلی و  
اسنراء و مستحبات  
و مکروهات تخلی )

### در احکام خانه

— از حضرت امام جعفر صادق ( ع ) منقول است  
که حق تعالی ملکی را موکل گردانیده است که هر که سقف  
خانه اش را ریاده از هفت ذرع بلند کند، با او میگوید  
که تا کجا میخواهی بروی ای فاسق ؟ و طبق روایت دیگر

حتی فرمود ای فاسق ترین فاسقان ؟ ... و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد به آن حضرت که جنیان خانه و عیال مرا آزار میکنند . حضرت پرسیدند که ارتفاع سقف خانهات چقدر است ؟ گفت ده ذرع . حضرت فرمود مگر نمیدانی که هر که سقف خانه خود را زیاده از هشت ذرع بلند کند احنه و شیاطین در آن خانه جا میکنند ؟ پس باید که سقف خانهات هفت ذرع باشد ، زیرا آنچه زیاده از هفت ذرع است شیطان در آن ساکن میشود و بدرستی که شیطان در آسمان و زمین نمیباشد بلکه در میان همسوا می باشد .

و در حدیث دیگر منقول است که شخصی به حضرت امام محمد باقر ( ع ) شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بدر کرده اند . فرمود که سقف خانه خود را هفت ذرع کن و کیوتر در اطراف خانه جا بده . آن شخص گفت چنین کردم و دیگر بدی ندیدم .

— در احادیث معتبره از حضرت رسول اکرم ( ص ) منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که آن فاسق که موش باشد فتیله را نکشد که آتش در خانه اندازد .

و نیز آن حضرت ( ص ) فرمود که خانه شیطان در خانه های شعا جائی است که عنکبوت در آن میتند .  
و حضرت امیر المؤمنین ( ع ) فرمود که خاکروب خانه را شب در خانه مگذارید که شیطان در آن جا مبعبرد .  
( حلیة المتقین ، باب دوازدهم ،  
فصول اول و بیازدهم )

— حضرت امام جعفر صادق ( ع ) فرمود : هر که تنها در خانه بخوابد شیطان او را بگیرد و دیوانه اش کند .  
— و فرمود : دهان ظرفهای آب و در ب خانه ها

را بسندد که شیطان درب بسنه و ظرف سر بسنه را  
نمیگناید .

— و فرمود : نان در خانه بسیرید و از بازار مخرید  
که از نلخی های زندگانی است نان از بازار خریدن .  
— و فرمود : من صامم برای کسیکه تحت الحک  
بسنه باشد که چون از خانه بیرون رود سلامت بخانه  
بازگردد .

— و فرمود : خانه خود را جاروب کنید تا بسنه  
نشوید به جهودان که ایشان جاروب نمیکنند .  
( همان کتاب ، باب وازدهم ،  
فصول دوم و ساردهم و دوازدهم —  
کتاب چهاردهم ،  
فصول چهارم و ساردهم )

— از مکروهاتی که فقر مآورد در حال جنابت  
چیز خوردن است مگر اینکه غسل کند یا اینکه مضمضه  
و استنشاق راسه مرتبه انجام دهد . همچنین تنظیف در  
شب یعنی وقتی که منزل کشیف شد شب جاروب کند . دیگر  
ظرف آب را سر باز گذاردن است . دیگر بر طرف نکسردن  
تار عنکبوت از دیوار و سقف خانه است . دیگر نشستن در  
آستانه در است . دیگر اینکه روی نان که در سفره گذاشته  
میشود چیز دیگری بگذارد ، مثلاً قاب پلو را روی نان  
بگذارد .

(آیه الہد استغیث شرازی ، کتاب  
معراج ، تفسیر سوره بحریم :  
موجبات فقر و غنا )

### در احکام لباس پوشیدن

— و اما احکام رخت پوشیدن و عمامه پیچیدن و

انگشتری بدست کردن و کفش و نعلین برای کردن ، مسح  
قسم و حیل و سه حکم است . وار جمله آنچه حرام است :  
اول پوشیدن مردان حر و محض را در غیر موقع حرام است .  
دوم پوشیدن بوسه مرده . سوم رحمت خوب پوشیدن زن  
احسب بحد آنکه با او رنای کند . و مسح است : اول  
آنکه رخی که میپوشد قسمی باشد بحیث حمل و زیست .  
دوم آنکه سفید باشد و اریسه باشد . سوم آنکه  
کوتاه باشد . چهارم آنکه آستر آن حامه از انگشتان  
درازتر نباشد . پنجم آنکه در حالت پوشیدن حامه کوزه  
بور آب سازند و سوره انا انزلناه راسی و دیوار سر  
آن بخوانند و بدمند و قدری از آن آب بر حامه باشد که  
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند این سبب  
فراخی نعمت میشود . ششم ایستاده عمامه بپوشند چه  
در حدیث از نشسته بپوشیدن عمامه نهی وارد شده . هفتم  
همیشه تحت الحنک بپوشند . هشتم زیر حامه را روبه قبله  
نیوشند . نهم کفش و نعلین را نشسته بپوشند . دهم در  
وقت پوشیدن نعلین پای راست را پیش از پای چپ در آن  
کند و در وقت گذدن اول از پای چپ بگذرد . یازدهم  
در وقت نعلین پوشیدن این دعا را بخواند ( من دعا )  
دوازدهم در وقت گذدن نعلین این دعا را بخواند ( متن  
دعا ) . سیزدهم نعلین سفید بپوشد ، که نعلین زرد  
لباس پیغمبران است . چهاردهم پیراهن بپوشد که در  
حدیث آمده است که پوشنده را فرجه میکند . پانزدهم  
انگشتری بدست راست کند و نگین انگشتر از یاقوت باشد

چه در حدیث آمده که منلی را مسرد ، نازدم  
 انگشتری که نگی آن حرع بمالی یا بلور باشد در دست  
 کند .  
 و مکروه است : اول پوشیدن کفی و سعلی سرج در  
 حصر ، اما در سفر مکروه نیست . دوم پوشیدن سعلی  
 سیاه ، چه در حدیث آمده که بد حتم ضرر میرساند ، اما  
 کفی سیاه پوشیدن مکروه نیست . سوم پوشیدن جامه  
 سیاه ، چه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول  
 است که حق تعالی وحی فرستاد به پیغمبری از پیغمبران ،  
 که به مؤمنان بگو که لباس دشمنان مرانپوشند یعنی  
 جامه سیاه . چهارم جامه سرخ پوشیدن مگر در عروسی .  
پنجم پوشیدن جامه‌ای که زرد باشد یا به زعفران رنگ  
 کرده باشند مگر در عروسی ، چه در حدیث آمده که حضرت  
 امام محمد باقر علیه السلام فرمود که رنگ کردن جامه  
 به زعفران خاصه بنی امیه است ، و نیز در حدیث آمده  
 که خود آن حضرت وقتی قبای زرد پوشیده‌اند و در جواب  
 پرسش احباب گفته‌اند که من چون داماد شده‌ام جهت  
 آن قبای زرد پوشیده‌ام . ششم آنکه یک کفش یا یک  
 نعل پوشیده به راه روند مگر آنکه یکی را بدوختن داده  
 باشند چه در حدیث آمده که هر که در یک نعل راه رود  
 شیطان ضرر با او رساند . هفتم انگشتری از آهن در دست  
 کردن . هشتم عمامه را نشسته پیچیدن .

( جامع عباسی ، باب پانزدهم ،  
 در اقسام رخت پوشیدن ازواج  
 و سنت و حرام و مکروه و مباح )



— از حضرت صادق ( ع ) منقول است که حضرت رسالت بنامه ( ص ) بر سر حضرت امیر المؤمنین ( ع ) عمامه بدست مبارک خود بچیدند و یک سر عمامه را از پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب سر آویختند . پس فرمودند که : سرو، رفت ، پس فرمودند که بیا ، آمد . آنگاه فرمودند که جنبی است والله تاجهای ملائکه !

— و از حضرت امیر المؤمنین ( ع ) منقول است که فرمود : مادام مرد را که عریان شود، که هرگاه مرد عریان شود شیطان با او نظر میکند و در او طمع میکند .

— و از حضرت امام محمد باقر ( ع ) منقول است که جامه تازه پوشیدن دشمن را منکوب میکند .  
— و در حدیث است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق ( ع ) پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنیم ؟ فرمود که لباس اهل جهنم است .  
— و نیز فرمود که پوشیدن کتان بدن را فریسه میکند .

— و در فقه رضوی از حضرت امام رضا ( ع ) منقول است که زیر جامه را نشسته بیوش و ایستاده میپوش که موجب زرداب میشود . و از حضرت امیر المؤمنین ( ع ) نیز همین مطلب منقول است .

( حلیة المتقیین ، باب اول ، فصول

چهارم و هفتم و هشتم و نهم و دهم )

### در احکام کفش پوشیدن

— حضرت امام جعفر صادق ( ع ) فرمود که هر که

نعلین زرد یا سفید بیوند او را مال و فرزند آن بهم رسد ،  
و هر که نعلین سیاه بیوند نه تنها هیچک از بس دو را  
نماید ، بلکه ذکری نیز ست شود !

— و فرمود که نعل هموار پوشدن که همایش سر  
زمن رسد بوشش بهودان است .

— و آن حضرت و حضرت امام محمد باقر ( ع ) هر دو  
فرموده اند که چون نعلین بیوشی استدابه پای راست کن ،  
و در وقت کندن استدا از پای چپ کن .

— و فرمودند که هر که بایکتای کفش راه بیرو  
شیطان سرا و دست یابد و دیوانه اش کند .

— و حضرت امیر المؤمنین ( ع ) فرمودند که هر  
که خواهد عمر دراز کند کفش نیکو بیوشد .

( حلیة المتقین ، باب اول ، فصول

دهم و یازدهم و دوازدهم )

### در احکام انگشتر بر انگشت کردن

— و در حدیث معتبر از بشیر دهان منقول است که  
به حضرت امام جعفر صادق ( ع ) عرض کردم کدایک از  
نگس ها را بر انگشت خود بنشانم ؟ فرمود که چرا غافل  
از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید که اینها سه کوهند  
در بهشت . اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه رسول  
خدا ( ص ) ، اما کوه عقیق زرد پس مشرف است به خانه  
حضرت فاطمه ( س ) ، اما کوه عقیق سفید پس مشرف است  
بر خانه حضرت امیر المؤمنین ( ع ) ، و همه آنها یک  
خانه است ، و از زیر هر کوهی نهری جاری است از برف  
سردتر و از عمل شیرین تر و از شیر سفیدتر ، و نمیخورند

از آن نهرها مگر شیبان ، وهرسه سهر از کوثر میآید  
وبه بکجا میریزد واین سه کوه تسبیح و سفیدس و تمجید  
الهی میکنند .

— حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که  
انگشتر عقیق در انگشت کنید که آن اول کوهی است که  
اقرار کرده است به یگانگی خدا و به بیغمبری من و به  
امامت علی .

و از حضرت امیرالمؤمنین ( ع ) منقول است که  
نماز کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد برنمار  
کسی که انگشتر غیر عقیق در دست داشته باشد به جهل  
درجه زیادی دارد .

— از حضرت امام جعفر صادق ( ع ) منقول است  
که انگشتر را به بند بایین انگشت برسانید که انگشتر  
به سر انگشتان کردن عمل قوم لوط است .

و نیز از آن حضرت ( ع ) منقول است که حضرت  
جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت هر کس  
از امت تو که انگشتر در دست راست کند و بسنم او را  
که در قیامت متحیر مانده است دستش را بگیرم و به تو  
و به حضرت امیرالمؤمنین برسانم .

— در روایت معتبر منقول است که شخصی را از  
برایر حضرت امام محمد باقر ( ع ) گذرانیدند گسه  
تازیانه بسیار براورده بودند . فرمود انگشتر عقیق  
او کجاست ؟ اگر با او بود تازیانه نمیخورد .

( حلیة المتقین ، جلد دوم ،

فصل اول و دوم و سوم )

### در احکام ریش

— علی بن محمد ، از پدرش علی محمد بن اسماعیل

بن موسی بن جعفر ، و او از احمد بن القاسم العفلی ،  
 و او از احمد بن یحیی معروف به کرد ، و او از محمد بن  
 خداهی ، و او از عبداللہ بن ایوب ، و او از عبداللہ بن  
 ہاشم ، و او از عبدالکریم بن عمرو الخثعمی ، و او از  
 حبیبہ الوالیہ ( زنی از قبیلہ والیہ یمن ) روایت  
 کند کہ امیرالمؤمنین علیہ السلام را در محل پیش قراولان  
 لشکر دیدم کہ با تازیانہ دوسری کہ ہمراہ داشت  
 فروشندگان ماهی جری ( بی فلس ) و مارماهی و ماهی  
 زمار را میزد ، و میفرمود : ای فروشندگان مسخندہ های  
 بنی اسرائیل و لشکر بنی مروان ! فرات بن احنف نزد  
 حضرت ابستاد و پرسید : یا امیرالمؤمنین ، لشکر بنی  
 مروان کہانند ؟ فرمود : مردمی کہ ریش ہا را  
 می تراشیدند و سیلہا را تاب میدادند ، و لاجرم بہ امر  
 الہی مسخ شدند و بصورت ماهی های بی فلس و حرام گوشت  
 درآمدند .

( اصول کافی ، کتاب الحہ ، باب  
 ما یفعل بہ بین دعوی المحق  
 و المیطل فی امر الامامہ )

— و در روایت است کہ چون حاکم یمن بہ امرگری  
 کاتب خود بانویہ را بہ اتفاق مردی کہ او را " خرخک "  
 میگفتند نزد رسول صلی اللہ علیہ وآلہ بہ مدینہ  
 فرستاد ، چون آن دوربش ہا را تراشیدہ و شارب را گذاشتہ  
 بودند آن جناب را ناخوش آمد کہ برایشان نظر کند .

( مفاتیح الجنان و باقیات صالحات ،  
 باب ششم ، احادیث در مذمت  
 تراشیدن محاسن )

— از حضرت رسول ( ص ) منقول است کہ چگون

حقتعالی توبه حضرت آدم ( ع ) را قبول فرمود ، آدم سر به سجده گذاشت و چون سر برداشت روبه آسمان کرد و گفت : پروردگارا ، حس و جمال مرا زیاده گردان . پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی بر رویش روئید ، و پیشتر ریشش نداشت . گفت پروردگارا این چیست ؟ به او وحی رسید که این زینت تو و زینت مردان فرزندان تست است تا روز قیامت .

— حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود

که بهترین تحفه‌ای که برای مرد روزه دار آورند آن است که ریش را روغن بمالند .

— و فرمود که : خضاب کردن ریش نور است و اسلام

است و ایمان است ، و محبوب میگرداند مرد را نزد زنان ، و خوف میافکند در دل کافران .

— و فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را

بلند بگذارید و خود را به یهودان و گبران شبیه مگردانید ، که گبران ریشهای خود را چیدند و سیلان خود را زیاد کردند ، ولی ما شارب خود را میچینیم و ریش را میگذاریم .

— حضرت امیر المؤمنین ( ع ) فرمود که هر جمعه

ریش خود را اصلاح کنید که امان میدهد از مرض خوره .

— و فرمود : در زمان پیش‌گروهی بودند که ریش

را میتراشیدند و شارب را میتابیدند ، و حقتعالی ایشان را مسخ کرد و از صورت آدمیان بیرون آورد .

— حضرت امام محمد باقر ( ع ) فرمود که اگر

خواهید بلغم از بدنتان برود ، ریش را بسیار شانه کنید .

— حضرت امام جعفر صادق ( ع ) فرمود که آنچه

از ریش زیاده بریک قبضه است در آتش است ، و تأکید فرمود که دست بر ریش بگیر و آنچه زیاده از یک قبضه باشد ببر .

— و فرمود که : ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند و فقر را برطرف میکند و پشت را محکم میکند و بلغم را قطع میکند، و قوت جماع را زیاد میکند .

— و فرمود که شانه کردن پائین ریش طاعون را از این کس دور میگرداند .

— و فرمود : هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه کند و یکی یکی را بشمارد ، شیطان تا چهل روز بنزدیک او نیاید . شرطی که ریش را از پائین بطرف بالا شانه کند .

— علی بن جعفر از حضرت امام موسی کاظم ( ع ) پرسید که از روی ریش میتوان برید ؟ فرمود که از دو پهلوی آن بلی ، ولی از پیش رو نه .

— حضرت امام رضا ( ع ) فرمود که در خضاب کردن ریش اجر عظیم است ، و بدرستی که گروهی از زنان دست از عفت برداشتند بدان جهت که شوهرانشان ریش خود را خضاب نمیکردند .

( طبه المتقین ، باب دوم ، فصل یازدهم — باب پنجم ، فصول چهارم و پنجم و یازدهم — باب ششم ، فصل دهم )

### در آداب ناخن گرفتن

— از حضرت رسول اکرم ( ص ) منقول است که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع میکند و رزی را فراخ میکند . و نیز در روایت است که مدتی چند وحی خداوند بر حضرت رسول اکرم ( ص ) نازل نشد . از سبب آن پرسیدند . خداوند فرمود : چگونه وحی باز نایستد ، و حال آنکه ناخن نگرفته‌ای ؟

— در حدیث معسر از حضرت امام محمد باقر (ع) وارد شده که در ناخن گرفتن ابتدا به انگشت کوچک از دست چپ بکنید و به انگشت کوچک دست راست ختم کنید ، بشرط اینکه آن روز چهارشنبه باشد . و اگر سه‌شنبه باشد ، ابتدا در هر دستی به انگشت کوچک آن دست بکنید ، و اگر در روز جمعه یا سایر روزها باشد ابتدا به انگشت کوچک دست چپ بکنید و ختم به انگشت بزرگ دست راست .

— و نیز فرمود که هر که با خنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد ، خدا پریشانی را از او زایل گرداند .  
— و فرمود که هر که پنجشنبه ناخن بگیرد فرزندان بسیار شود و درد چشم نبیند .

— از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که فرمود : ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از خوره و کوری و پیری .

— و نیز فرمود که ناخن گرفتن و سر را با خطمی شستن در روز جمعه ، فقر را برطرف کند .  
( حلیة المتقین ، باب پنجم ،  
فصول هشتم و نهم )

### در آداب واجبی کشیدن و حجامت کردن

— رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که به حمام برود و واجبی بکشد و بعد از آن از سرتا پای خود را حنا بمالد ، در امان باشد از خوره و دیوانگی و پیری و آکله ، تا واجبی کشیدن بعدی .

— حضرت امیرالمؤمنین ( ع ) فرمود : احتراز  
کنید از واحبی کشدن در روز چهارشنبه ، که روز نحس  
مستمر است و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است .

— و فرمود که در حمام سرپشت نخواستید .

— و فرمود که مرد یا کنیزانش به حمام بروند ،  
اما لنگ بسته باشند و مانند خران برهنه نباشند که  
نظر به عورت یکدیگر کنند .

— ار حضرت امام جعفر صادق ( ع ) پرسیدند : کسی  
که واحبی کشیده باشد ایستاده بول میتواند کرد ؟  
فرمود که باکی نیست .

— و فرمود که چون داخل خزانه دوم حمام بشوی  
جرعهای از آب آن خزانه را بخور که مجرای بول را پاک  
میکنند .

— و فرمود که هرکس خواهد حجامت کند باید که در  
روز پنجشنبه حجامت کند ، چرا که در هر غروب جمعه خون  
از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت ، و بجای خود  
برنمیگردد تا صبح روز پنجشنبه ( ! )

— و فرمود که هر که در روز جمعه سر خود را با  
خطمی بشوید چنان است از ثواب که یک بنده آزاد کرده  
باشد .

— و فرمود : سرمه بکشید که سرمه کشیدن کمک  
میکنند بر طول دادن سجود ، و قوت جماع را زیاد میکند .  
— و فرمود : بر شما باد مسواک کردن که چسبون  
مسواک کند آدمی ، بلفم نازل میشود از چشم .

— حضرت امام موسی کاظم ( ع ) فرمود که هر زنی  
که حیضش قطع شده باشد به حنا خضاب کند تا حیضش برسر  
گردد !

— حضرت رضا ( ع ) فرمود : هر که ایمان به خدا



و روز قیامت دارد باید که سر مه بکشد .

( حلیة المتفین ، باب دوم ،  
فصول نهم و دوازدهم - باب  
پنجم ، فصل اول - باب هفتم ،  
فصول دوم و سوم و یازدهم -  
باب نهم ، فصل دوم )

— از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود :  
در هفتم ماه حزیران البته حجامت یکن ، و اگر میسر  
نشود در چهاردهم یکن . و فرمود که حزیران ماه نحسی  
است ، و این ماهی است که حضرت موسی علیه السلام در این  
ماه نفرین کرد برینی اسرائیل ، و در یکشب و یکروز سیصد  
هزار کس از ایشان مردند ( ! ) . و نیز به سند معتبر  
از آن حضرت منقول است که حق تعالی اجل ها را در ماه  
حزیران نزدیک میگرداند ، یعنی موت در آن بسیار  
میباشد .

( مفتاح الجنان و باقیات  
صالحات ، باب سوم ، در ادعیه  
و عوذات آلام و اسقام )

### درا حکام نشستن

— علی بن ابراهیم از پدرش ، و او از ابن ابی  
عمیر ، و او از ابی حمزه ثعالی روایت کند که حضرت  
امام علی بن الحسین علیهما السلام را دیدم که نشسته  
بود و یکی از دو پای خود را بر ران دیگر گذارده بود .